

کنش‌های گفتاری و ارتباط آن با جنسیت و طبقه اجتماعی در گرشاسب‌نامه

مریم جلالی^{1*}، معصومه صادقی²

(تاریخ دریافت: 93/8/2، تاریخ پذیرش: 94/4/7)

چکیده

کنش گفتاری یکی از مبانی ایجاد ارتباط کلامی در متون ادبی به شمار می‌آید. بر مبنای نظریه گفتار، مبادله اطلاعات در قالب ساختار و کنش گفتار صورت می‌پذیرد. با تمرکز بر کنش‌های گفتاری یک متن می‌توان وضعیت و موقعیت اجتماعی اشخاص موجود در اثر را تحلیل کرد. گرشاسب‌نامه اثر اسدی طوسی، متعلق به قرن پنجم ه.ق از جمله آثار داستانی منظوم تاریخی است که کنش‌های گفتاری قابل ملاحظه‌ای دارد. این کنش‌های گفتاری با توجه به جنسیت اشخاص متفاوت است. در مقاله حاضر تلاش شده است تا بر مبنای تئوری کنش‌های گفتاری سرل، گفتارها استخراج شود، سپس به تبیین و تحلیل گفتار زنان و مردان حاضر در گرشاسب‌نامه پرداخته شود. در این میان ارتباط کنش‌های گفتاری با وضعیت اجتماعی اشخاص موجود در اثر نیز سنجیده شده است. نتایج به‌دست‌آمده از این بررسی نشان می‌دهد که میان زنان و مردان در جامعه معرفی‌شده در گرشاسب‌نامه نابرابری‌های جنسیتی وجود دارد.

*ma_jalali@sbu.ac.ir

1. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

2. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار، گرمسار، ایران

واژگان کلیدی: کنش گفتاری، گرشاسب‌نامه، طبقه اجتماعی، تمایز جنسیتی.

1. مقدمه

در پیاده‌سازی دیدگاه‌ها و نقدها بر آثار ادبی، رویکردهای متنوعی وجود دارد؛ برخی از این رویکردها با رشته‌های دیگر مانند جامعه‌شناسی، تاریخ، زبان‌شناسی، روان‌شناسی و ... تلفیق شده است. امروزه این موضوع حتی به بخش‌های میان فرهنگی نیز راه پیدا کرده است (بهایی¹، 1995:206). در نظام قراردادهای اجتماعی، زبان نقش مهمی را ایفا می‌کند. زبان در قالب خود برای برقراری ارتباط، ابزار مناسبی به‌شمار می‌آید و می‌تواند ارائه‌دهنده محصولی باشد که برخاسته از روابط اجتماعی است؛ زبان به بشر اجازه می‌دهد تا با بازگو کردن گفتار، شیوه‌های رفتاری را از نسلی به نسل دیگر انتقال دهند (فنادان و همکاران، 1375:97). در تکمیل این نگرش گرانیپایه معتقد است که زبان به‌عنوان یک محصول فرهنگی و اجتماعی با زندگی انسان درهم آمیخته است (گرانیپایه، 1377:110). همین امر نشان‌گر نقش و اهمیت زبان در مسائل اجتماعی است. نخستین ارتباطات با جوامع قدیمی و کهن از طریق دستیابی به متونی رخ داده که متعلق به همان ادوار است. امکان بازیابی روابط موجود در جوامع تاریخی از میان این متون برای محققان وجود دارد؛ به دلیل وسعت و تعدد لایه‌های معنایی درهم تنیده در ادبیات و حفظ زیبایی‌شناسی توسط خالق اثر، گاه تاریخ باشکوه و گسترده ایران کهن در گذرگاه زیبایی‌شناسی کلام آفرینش‌گر فشرده و در قالب یک متن ادبی به منظور پل میان صورت و مفاهیم ارائه می‌شود (قبادی، 1388:61-62). یکی از متون کهن ادبی تاریخی که در آن گفتارهای هدفمند دیده می‌شود گرشاسب‌نامه است. گفتارهای موجود در متن این اثر، مجموعه‌ای بی‌جان از کلمات نیست، بلکه بیانگر رفتارها و روابط اجتماعی است.

اهمیت گرشاسب‌نامه چندان است که پس از شاهنامه فردوسی به‌عنوان نخستین اثر حماسی فارسی محسوب می‌شود. این اثر منظوم توسط حکیم ابونصر علی‌بن احمد اسدی طوسی در قرن پنجم ه.ق سروده (رزمجو، 1381:115) و با دربرداشتن قریب به هشت هزار بیت، منظومه‌ای است که در آن به حوادث زندگی گرشاسب پرداخته شده است. گرشاسب شخصیتی اسطوره‌ای تاریخی است که نامش در اوستا یادشده و جزو شش پهلوان فره‌مند

کنش‌های گفتاری و ارتباط آن با جنسیت و ... _____ مریم جلالی و همکار

ایرانی است (رستگارفسایی، 1383:215). ماجرای زندگی این پهلوان در کتاب گرشاسب‌نامه آمده است. با توجه به توانایی سراینده، این اثر مشحون از کنش‌های گفتاری است که موجبات استحکام متن را در توصیف روابط اجتماعی شخصیت‌های حاضر در خود فراهم آورده است.

1-1. طرح مسئله

کنش گفتاری به‌عنوان یک پدیده زبانی از مباحث مهم و نقش برانگیز در نقد روابط اجتماعی و زبان‌شناسی به شمار می‌آید؛ تا جایی که بررسی گفتارهای یک متن ادبی می‌تواند پرده از روابط اجتماعی موجود در فضای اثر بردارد. با توجه به این‌که بیش از نیمی از گرشاسب‌نامه در قالب کنش‌های گفتاری است، بررسی این کنش‌ها با درنظر گرفتن تفکیک جنسیت می‌تواند بیانگر روابط پنهان در جامعه‌ای باشد که در قالب زبان زنان و مردان این اثر پدیدار شده است. با این احتمال که جنسیت‌های متفاوت، کنش‌های گفتاری خاص خود را دارند، تحلیل کنش‌های گفتاری هر جنسیت می‌تواند مرتبط با جایگاه و قدرت اجتماعی آن گروه در این متن ادبی - تاریخی باشد که در این تحقیق به آن می‌پردازیم.

2-1. پیشینه تحقیق

نظریه کنش گفتار نخستین بار توسط آستین² مطرح شد. پس از او سرل³ این تئوری را گسترش داد. در این باب، کتاب‌های نظری متعددی وجود دارد، همچنین با درنظر داشتن موضوع کنش گفتار مقاله‌هایی با عنوان زیر به چاپ رسیده است که هیچ یک به‌طور مستقیم مربوط به بررسی کنش‌های گفتاری گرشاسب‌نامه و ارتباط آن با طبقات اجتماعی نمی‌شود. «بررسی کنش‌های گفتار در سخنرانی‌های رؤسای جمهور ایران و آمریکا شهریور 1385، سازمان ملل» (پهلوان‌نژاد؛ اصطهبانانی، 1387) که در این مقاله کنش‌های گفتاری سخنرانی‌ها از منظر گفتمان سیاسی بررسی شده است؛ «تحلیل خطبه پنجاه و یکم نهج البلاغه براساس طبقه‌بندی سرل از کنش‌های گفتاری» (فضائل؛ نگارش، 1390) در این بررسی به کنش‌های گفتاری از منظر دین و سیاست نگاه شده است؛ «تحلیل متن‌شناسی زیارت‌نامه حضرت امام رضا^ع بر پایه نظریه کنش گفتار» (پهلوان‌نژاد؛ رجب‌زاده، 1389) در این پژوهش ایجاد ارتباط

عمیق عاطفی گوینده با مخاطب یا مخاطبان زیارت‌نامه، مبنای بررسی است؛ «نظریه کنش گفتاری آستین و فهم زبان قرآن» (ساجدی، 1381) در این مقاله به تحلیل گزاره‌های دینی و چند بعدی بودن گزاره‌های اخباری در دین پرداخته شده است. در زمینه جنسیت نیز مقاله‌های متعددی وجود دارد که در آن به کنش گفتار در گرشاسب‌نامه توجهی نشده، اما به شکل جنبی به موضوع حاضر مربوط می‌شود «راهبرد نظریه‌پردازی در جامعه‌شناسی جنسیت و جامعه‌شناسی خانواده» (باقری، 1389) که در آن به مصادیق عینی مرتبط با مبانی مطرح شده در مقاله تمرکز شده است؛ «تأثیر جنسیت بر نحوه بیان تقاضا: پژوهشی در حوزه جامعه‌شناسی زبان» (هدایت، 1384). در این مقاله نویسنده به تأثیر جنسیت به عنوان عامل اجتماعی بر نحوه بیان مستقیم و غیر مستقیم در تقاضای مردان و زنان پرداخته است؛ «کنکاشی در پژوهش‌های زبان‌شناسی جنسیت» (داوری‌اردکانی، 1387) نویسنده در این مقاله به بررسی وضعیت مطالعاتی زبان‌شناسی جنسیت به عنوان یک رشته نوپا پرداخته است.

3-1. سؤال‌های تحقیق

- این پژوهش تلاش در پاسخ‌گویی تحلیلی به پرسش‌های زیر دارد.
- کنش‌های گفتاری زنان و مردان در گرشاسب‌نامه بر مبنای تئوری سرل چگونه طبقه‌بندی می‌شود؟
 - چه ارتباطی میان قدرت و پایگاه اجتماعی افراد با کنش گفتاری آنان در گرشاسب‌نامه وجود دارد؟
 - نتایجی که از کنش‌های گفتاری زنان و مردان به دست می‌آید چه ارتباطی با نابرابری‌های جنسیتی در این اثر دارد؟

4-1. هدف

از آن‌جا که جامعه تعریف شده در گرشاسب‌نامه جامعه‌ای است که ساختاری رسمی دارد. «در ورای ساختار رسمی، اغلب یک ساختار غیررسمی نیز وجود دارد. ساختار غیررسمی را روابط اجتماعی موجود میان اعضا تشکیل می‌دهد» (شارع‌پور، 1388: 180). بررسی کنش‌های گفتاری،

کنش‌های گفتاری و ارتباط آن با جنسیت و ... _____ مریم جلالی و همکار

سازه‌های روابط غیررسمی را نمایان می‌سازد. هدف از پژوهش کنونی کشف روابط نهفته در گفتارهای گرشاسب‌نامه است که با طبقه‌بندی و بررسی کنش‌های گفتاری زنان و مردان میسر می‌شود، همچنین مقصود بررسی تمایزها یا نابرابری‌های احتمالی جنسیتی را در میان کنش‌های گفتاری است.

5-1. روش تحقیق

تحلیل یادشده براساس الگوی کنش گفتاری سرل و مبحث جنسیت در گرشاسب‌نامه انجام شده است. مطالعات کتابخانه‌ای و استناد به نظریات دانشمندان مبنای مصداق‌یابی و تحلیل در این پژوهش است.

2. نقش کنش گفتار در پیوند با جنسیت و اجتماع

نظریه کنش گفتار⁴ جان سرل در ادامه نظریه‌یاستین⁵ (سرل⁶، 1979:240؛ صفوی، 1383:172) است. آستین گفتار را ابزار مبادله اطلاعات می‌داند. بر همین مبنا گروهی «کنش گوینده» را برابر با «گفتن» به‌شمار آورده‌اند (لطفی‌پور، 1372:10). نظریه سرل بر این مبناست که هر گفتاری یک کنش به‌شمار می‌آید (بریتون⁷، 2000:302) که ابتدا بر نظام تکواژها و کلمات موجود در جمله تنظیم می‌شود (سرل، 1979:182). توجه عمیق‌تر به بافت جمله، سبب تغییر نگرش به کنش گفتاری گردیده (اسیسا⁸، 2002:423) که پیامد آن استخراج رفتارها و کنش‌های انسانی از لابه‌لای کنش‌های گفتاری است. پویترس معتقد است کنش‌های انسانی از طریق کنش‌های گفتاری بروز پیدا می‌کند (پویترس⁹، 2008:337). با توجه به این رویکرد، کنش‌های گفتاری موجود در گرشاسب‌نامه حاوی معنا و مرجعی است که بازتاب دهنده کنش‌های انسانی جامعه معرفی شده در این کتاب است؛ بنابراین با تکیه بر کنش‌های گفتاری، روابط میان شخصیت‌ها و بازتاب اجتماعی نگاه جنسیتی در اثر، قابلیت تحلیل و بررسی پیدا می‌کند.

کنش‌های گفتاری از دیدگاه سرل به پنج کنش اظهار¹⁰، تعهدی¹¹، عاطفی¹²، ترغیبی¹³، و اعلامی¹⁴ تقسیم می‌شود. طبقه‌بندی سرل در نگاه نخست براساس ظاهر گفتارها صورت

می‌گیرد، اما براون و یول از جمله کسانی هستند که نه تنها به برداشت‌های معنایی گفتار توجه کرده‌اند بلکه آن را مقدم بر شکل زبانی آن دانسته‌اند (براون؛¹⁵ یول¹⁶، 1989:1).

گفتار عاملی مؤثر در ایجاد ارتباط میان مردم به‌شمار می‌آید (استابز¹⁷، 1983:1)؛ در نتیجه زبان و گفتار ابزار ارتباطی است که در خدمت برقرار کردن رابطه فرد با اجتماع خویش قرار می‌گیرد. با توجه به این امر نقش جامعه‌شناسی زبان به‌عنوان الگوی رفتاری جامعه در میان مردم نمایان می‌شود (باقری، 1377:59). تجزیه و تحلیل کنش‌های گفتاری موجود در متن که توسط شخصیت‌های زن یا مرد ارائه می‌شود می‌تواند به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم نشان‌گر ارتباط جنسیت گویندگان با پس‌زمینه‌های اجتماعی باشد (میلز¹⁸، 1994:16).

با وجود این که متن گرشاسب‌نامه سرشار از جنگ‌ها، سفرها و هنرهای حماسی شخصیت مردی است که با موجودات عادی و غیرعادی سرو کار دارد، در نگاه نخست طرح تفکیک جنسیت و استخراج کنش‌های گفتاری آنان دور از منطق تحلیلی به نظر می‌رسد. دلیل گرایش به این بررسی وجود اشخاص با جنسیت‌های زنانه و مردانه‌ای است که در متن اثر، کنش گفتاری خاص خود را دارند. واقعیت این است که براساس نگاه ویدون هر جنسیتی در اجتماع موقعیت اجتماعی مختص خود را دارد (ویدون¹⁹، 1997:25)؛ بنابراین گفتار گویندگان در گرشاسب‌نامه می‌تواند برحسب جنسیت افراد متفاوت و همچنین نشان‌دهنده جایگاه اجتماعی اشخاص باشد. با توجه به این که گیدنز معتقد است که تعاملات اجتماعی و ساختار اجتماعی متضمن یکدیگرند (گیدنز²⁰، 1984:26) و بخشی از تعاملات بر پایه گفتار صورت می‌گیرد، بررسی گفتارها براساس جنسیت نمایانگر ساختار اجتماعی است؛ بنابراین کنش‌های گفتاری گرشاسب‌نامه می‌تواند نشان‌دهنده پس‌زمینه‌های اجتماعی و تاریخی باشد.

3. طبقه‌بندی کنش‌های گفتاری براساس جنسیت و جایگاه اجتماعی

داستان یک عمل اجتماعی است که در قالب گفتار ظاهر می‌شود و می‌تواند مسائل پیرامون خود را نمایان سازد (تالبوت²¹، 1995:145). نظریه کنش گفتار از نظریه‌های مهم گفتارشناسی درون‌متنی است. مبحث ارتباط زبان با رفتارهای اجتماعی به تازگی مطرح شده است (یورگنسن²²، 2004:70). متن گرشاسب‌نامه سرشار از داستان‌هایی است که به نوعی

کنش‌های گفتاری و ارتباط آن با جنسیت و ... _____ مریم جلالی و همکار

انعکاس‌دهنده فضا و عملکرد اجتماعی اشخاص است؛ توصیف این اعمال در قالب گفتار شخصیت‌ها قرار گرفته است. صداهایی که از میان متن به عنوان کنش گفتار شخصیت‌ها شنیده می‌شود، چارچوب‌هایی را برای تفسیر و تحلیل در اختیار تحلیل‌گر قرار می‌دهد. این دیدگاه توجه منتقدان و صاحب‌نظران بی‌شماری را در دنیا به خود معطوف ساخته (لویسون²³، 1997:226). از مجموع کنش‌های گفتاری گرشاسب‌نامه، 96 درصد به مردان و 4 درصد به زنان تعلق دارد. در این میان نوع گفتارها براساس جنسیت گویندگان میان مردان با مردان، مردان با زنان، زنان با زنان، زنان با مردان با در نظر گرفتن تعداد گویندگان متفاوت است. برای نمونه کنش گفتار گرشاسب با ملاح که فرد با فرد صورت پذیرفته به شکل زیر آمده است.

«سپهد بر آشفت و گفت از نبرد / مرا چرخ گردان نگوید که گرد / به یزدان که داد از بر خاک و آب / زمین را درنگ و زمان را شتاب / کزین جایگه برنگردم کنون / مگر رانده از اژدها جوی خون» (گرشاسب‌نامه، 1386:163).

کنش گفتار بزرگان روم با گرشاسب هنگام خواستگاری گرشاسب از دختر پادشاه روم این‌گونه آمده است.

که گنج و سلیح و سپاهت کجاست / اگر دختر شهریار ت هواست / ز شاهان و از خسروان زمین / بسی خواستند از شه ما همین / تو مردی یک اسپه نهفته نژاد / به تو چون دهد چون بدیشان نداد» (همان: 210).

دقت در جنسیت شخصیت‌های داستانی کمک می‌کند تا در تحلیل‌ها، وضعیت اجتماعی، روابط افراد، محدودیت‌ها و حتی مشخصات فیزیولوژی نیز نادیده گرفته نشود (استفانز²⁴، 1996:19). به همین منظور در طبقه‌بندی کنش‌های گفتاری شخصیت‌های گرشاسب‌نامه، نخست کنش گفتاری زنان و مردان را در دو گروه مجزا قرار می‌دهیم و در ادامه با توجه به تئوری سرل به تقسیم‌بندی آن می‌پردازیم.

3-1. کنش‌های گفتاری زنان در گرشاسب‌نامه

زن در ادبیات کلاسیک فارسی اغلب در هاله‌ای از عشق تعریف شده است (کراچی، 1374:98) با این دید کلی انتظار می‌رود که کنش گفتاری زنان منحصر و محدود به زمینه‌های

غنایی شود، حال آن‌که ظهور گفتار و ایجاد رابطه زبانی در گرشاسب‌نامه دیدگاه تازه‌ای را در اختیار خوانندگان می‌گذارد.

در سطح یک جامعه زبانی تفاوت‌های زیادی وجود دارد که با قشربندی‌های درونی آن جامعه مرتبط است. تالکوت پارسونز معتقد است که هر جامعه دارای ارزش‌ها و هنجارهای مشترکی است که اعضای خود را براساس آن ارزیابی می‌کند و کسانی که نیازها و ارزش‌های جامعه را برآورده می‌کنند پایگاه بالاتری در آن جامعه دارند (به نقل از شارع‌پور، 1388:224). در گرشاسب‌نامه نیز این نکته مصداق دارد. هر یک از نقش‌آفرینان این اثر وظیفه‌ای اجتماعی را بر عهده دارند که براساس معیارهای زمان خود تعیین‌کننده جایگاه اجتماعی آنان است؛ البته این تفاوت‌ها به‌طور معمول مانع ایجاد ارتباط میان سخن‌گویان نشده است (مدرسی، 1368:18). کنش‌های گفتاری زنان در گرشاسب‌نامه با وجود قدمت یک‌هزار ساله با توجه به قدرت و جایگاه اجتماعی افراد (بالادست، متوسط و پایین‌دست) به‌صورت متنوع در متن اثر پراکنده و میان شخصیت‌های داستانی چون دختر پادشاه روم با پدر (گرشاسب‌نامه، 1386:60-61)، دختر پادشاه روم با جمشید (همان: 49-57)، دختر پادشاه روم با خود (همان: 50)، دختر شاه زابل با زن جادو (همان: 54)، دختر شاه زابل با کنیزک (همان: 48)، دختر شاه زابل با گروه زنان (همان: 63)، زن گرشاسب با اثرط²⁵ (همان: 289)، دختر شاه روم با کنیزان (همان: 63)، دختر پادشاه روم با گرشاسب (همان: 209)، دختر شاه روم با دایه (همان: 207)، دختر شاه روم با زن بازرگان (همان: 206)، دایه دختر شاه روم با زن بازرگان (همان: 207-208)، زن جادو با نام‌داران سپاهیان زابل (همان: 236)، پیرزن قیروان²⁶ با سالار سپاه افریقی²⁷ (همان: 263)، دایه با دختر شاه روم (همان: 207) کنیزک با دختر شاه زابل (همان: 48)، زن بازرگان با دختر شاه روم (همان: 206-208)، زن بازرگان با گرشاسب (همان: 208)، زن جادو با دختر شاه زابل (همان: 53-54) آمده است.

قسمتی از کنش‌های گفتاری میان افرادی صورت گرفته که گوینده از قدرت و جایگاه اجتماعی برتری نسبت به دیگران برخوردار است و گاه این تعامل به عکس روی داده است. بر پایه تئوری کنش گفتار سرل، کنش‌های گفتاری زنان در گرشاسب‌نامه به‌صورت زیر طبقه‌بندی می‌شود.

کنش‌های گفتاری و ارتباط آن با جنسیت و ... _____ مریم جلالی و همکار

1-1-3. کنش‌های گفتاری اظهاری زنان

«کنش گفتاری اظهاری» توصیف حالت یا حادثه‌ای است که گوینده در آن سعی دارد تا عقیده خود را درباره درستی یا نادرستی مطلبی اظهار کند؛ این نوع کنش‌های گفتاری رویکرد گوینده را نسبت به صدق گزاره و باورهای او نشان می‌دهد و با افعال تأییدی تدلیلی، اثباتی، تعریفی و توصیفی، تفسیری و تشریحی بیان می‌شود (سرل، 1979:15) قابل صدق و کذب است و اغلب در قالب جمله‌های خبری قرار می‌گیرد. گفتارهای اظهاری در گرشاسب‌نامه اغلب توسط زنانی بیان شده که شخصیت‌هایی نقش‌آفرین دارند و حوادث داستانی حول محور این اشخاص می‌چرخد. شخصیت با کمک این کنش به توصیف و شرح وضعیت خود می‌پردازد یا موضع خود یا دیگران را نسبت به یک موقعیت تعیین و اثبات می‌کند. نمونه یادشده کنش گفتاری دختر پادشاه روم با دایه‌اش است.

«چنین داد پاسخ کزین نوجوان/ دلم شد به مهر اندرون ناتوان/ یکی بند بر جانم آمد پدید/ که دارد به دریای بی‌بن کلید» (گرشاسب‌نامه، 1386:207).

در این نمونه واژه‌هایی مانند «دل»، «مهر» و «جان» دیده می‌شود که گوینده در آن سعی در تبیین نظر خود به موقعیت مرد جوان دارد.

در نمونه‌ای دیگر هنگامی که کنیزک اخبار و گزارش تازه را درباره مرد جوان نورسیده در اختیار دختر شاه زابل می‌گذارد از گفتار اظهاری بدین گونه استفاده می‌کند:

«جوانی دژم ره زده بر درست/ که گویی به چهر از تو نیکوترست/ ز گیتی بدین در پناهد همی/ سه جام می لعل خواهد همی» (همان: 48).

در این کنش گفتاری، کنیزک زیبایی دختر شاه زابل را با مرد جوان به کمک واژه «نیکوتر» قیاس می‌کند و در عین حال مرد جوان را با واژه‌های «دژم» و «ره زده» معرفی می‌کند.

در گرشاسب‌نامه کنش‌های گفتاری اظهاری زنان با داشتن پایگاه و جایگاه اجتماعی برتر به نوعی مؤید وضعیت فکری و عملکرد این گروه است و گفتار اظهاری زنان با موقعیت اجتماعی متوسط یا پایین‌دست در خدمت پاسخ‌گویی به کنش‌های گفتاری دیگران یا برای تأکید و تأیید نظر زنان برتر اجتماع به کار رفته است. برای نمونه دختر شاه زابل در معرفی و اثبات شخصیت خود این گونه سخن می‌گوید:

«بت زابلی گفت ازین هرچهار/ نیم من جز از تخمه شهریار» (همان: 49).

«به دل گفت شاهی است این پرخرد/ کزین سان نشست از شهان درخورد» (همان: 50).
8 بدنه از کنش‌های گفتاری اظهاری در میان اشعار گرشاسب‌نامه متعلق به زنان است.

2-1-3. کنش‌های گفتاری ترغیبی زنان

در این کنش گوینده سعی در ترغیب مخاطب به انجام کاری دارد. این کنش گفتار معمولاً با اجبار، دعوت، تمنا یا خواهش همراه است (سرل²⁸، 1979: 15). گفتارهای ترغیبی زنان در گرشاسب‌نامه با توجه به جایگاه اجتماعی گوینده متفاوت است. کنش‌های گفتاری ترغیبی شاهزادگان و زنان با داشتن موقعیت و جایگاه اجتماعی برتر، امری و گاه متضمن اجبار و تویخ است. تکمیل این نوع کنش گفتار به صورت عملی انجام می‌شود که با اطاعت شنونده از فرمان همراه است. کنش گفتار دختر شاه زابل با دایه از این نوع است.

«بدو گفت ارایدون که این هست راست/ ز یک آرزویم دو شادی بخواست/.../ رو آن پرنیان
کبود ایدر آر/ که هست از برش چهره جم نگار/ چنان این سخن دار در دلت راز/ که دلت ار
بجوید نیابدش باز» (گرشاسب‌نامه، 1386: 54).

در این کنش‌ها افعال «رو»، «آر» و «دار» برای بیان فرمان و دستور دختر شاه زابل به دایه به کار رفته است. کنش‌های گفتاری که در آن جایگاه و قدرت اجتماعی زنان گوینده پایین‌تر از سطح اجتماعی شنونده است، اغلب به صورت پرسشی و درخواستی بیان شده و تعدد پرسش و خواهش بیش از پاسخ در متن این کتاب است؛ به این معنا که پرسش اغلب بی‌پاسخ باقی می‌ماند. در این گفتار ترغیبی دختر پادشاه روم به پدرش التماس می‌کند تا از کشتن جمشید منصرف شود.

«مشو گفت در خون شاهی چنین/ که بدنام گردی برآیی ز دین/.../ گر او را جدا کرد
خواهی ز من/ نخستین سر من جدا کن ز تن» (همان: 61).

دختر پادشاه در حالت معمول در مقابل پدر فرمان‌پذیر است؛ بنابراین به پدر خویش نمی‌تواند دستور و فرمان دهد، به این دلیل زمانی که پدر قصد دورکردن او را از جمشید دارد، ملتمسانه از پدر می‌خواهد که از این کار چشم پوشی کند، و گفتارش را با پیشنهاد مرگ خود به پایان می‌رساند.

کنش‌های گفتاری و ارتباط آن با جنسیت و ... _____ مریم جلالی و همکار

در گرشاسب‌نامه هدف از این نوع کنش صرفاً ترغیب‌شنونده نیست، بلکه می‌تواند ابراز نظر گوینده نسبت به یک وضعیت باشد. چنین کنش گفتاری بی‌پاسخ می‌ماند. برای نمونه زمانی که دختر پادشاه روم با زن بازرگان درباره گستاخی خواستارش سخن می‌گوید هدف او با گفتار ترغیبی شناسایی فرد مورد نظرش نیست بلکه تأکید بر گستاخی آن شخص دارد.

«پرسید کاین مرد بی‌واره کیست/ که گستاخی‌اش سخت یک‌بارگیست» (همان: 206).

در این بیت واژه «پرسید» تعیین‌کننده نوع کنش گفتاری است. در ادامه گوینده با عبارت «که گستاخی‌اش سخت یک‌بارگیست» نظر مؤکدانه خود را نسبت به وضعیت خواستارش بیان می‌کند.

کنش‌های گفتاری ترغیبی زنانی که در جایگاه و موقعیت اجتماعی پایین‌دست قرار دارند هنگامی که با بالادست خود سخن می‌گویند جنبه پیشنهادی پیدا می‌کند، و در جهت تبیین و انجام خواسته و آرزو گفته می‌شود. برای نمونه زن بازرگان در کنش گفتار با گرشاسب برای برپا کردن جشن پیشنهاد خود را با فعل امری «بسازید» این‌گونه بیان می‌کند.

«بسازید در گلشن زرنگار/ یکی بزم خرم‌تر از نوبهار» (همان: 208).

گفتارهای ترغیبی زنان در گرشاسب‌نامه در یازده بدنه گفت و گویی قرار گرفته است. این کنش‌ها صرفاً تبادل پرسش و پاسخ نیست، بلکه به نوعی بیانگر روابط اجتماعی میان زنان با زنان، یا زنان با مردان است. جنسیت در این اثر در کنار عوامل دیگری مانند طبقه اجتماعی قرار گرفته است «عواملی که با قدرت ارتباط دارد» (لازار²⁹، 2005: 10). با توجه به این دیدگاه کنش‌های گفتاری ترغیبی زنان در گرشاسب‌نامه ارتباط مستقیم با موقعیت و جایگاه اجتماعی آنان دارد. گفتارهای ترغیبی شاهزادگان زن در این اثر متضمن اجبار است. چنین کنش‌هایی که متعلق به زنان عادی است به‌صورت پیشنهاد، تمنا و خواهش بیان می‌شود و منفعلانه است.

3-1-3. کنش‌های گفتاری تعهدی زنان

«کنش تعهدی» به تعهد گوینده برای انجام عملی در آینده مربوط می‌شود. گفتار گوینده با قول دادن، سوگند خوردن و نظیر این همراه است (سرل، 1979: 16).

اگر کنش‌های گفتاری به دقت واکاویده شود، سرنخ‌هایی در گزینش واژه‌ها و ساخت‌های نحوی یافت می‌شود که حاکی از نوع رابطه آفریننده اثر با شخصیت‌هایش است (فاولر³⁰،

1390:124). با توجه به این که گفتار شخصیت‌ها از لحاظ محتوا و شکل نشانه‌ای از خصائل شخصیت‌هاست (ریمون کنان³¹، 1387:89) می‌توان این نوع کنش گفتاری را به جایگاه اجتماعی زنان گرشاسب‌نامه ارتباط داد. زنان در این کنش گفتاری در قبال رسیدن به خواسته‌ها خود را متعهد می‌سازند. برای نمونه دختر شاه روم برای به‌دست آوردن و تصاحب جمشید تعهد خود را این‌گونه بیان می‌کند.

«ترا ام کنون گر پذیری مرا/ بر آیین به، جفت گیری مرا/ دهم جان گر از دل به‌من بنگری/ کنم خاک تن تا به پی بسپری» (گرشاسب‌نامه، 1386:55).

در ساختار بالا با توجه به این که دختر شاه روم با جمشید در جایگاه نزدیک یا برابر اجتماعی قرار دارند در کنش گفتاری دختر شاه انفعال دیده می‌شود. این نمونه بیانگر ارتباط بین کنش زبانی و رفتارهای اجتماعی نهفته در اثر است. گویی جایگاه دختر پادشاه به‌عنوان شاهزاده فراموش شده است و او برای رسیدن به آرزویش تا سر حد شرط و تحقیر پیش می‌رود. این کنش‌ها در گرشاسب‌نامه توسط زنان با داشتن موقعیت و جایگاه اجتماعی برتر روی داده، و تعداد آن اندک است.

3-1-4. کنش‌های گفتاری عاطفی زنان

گوینده در این کنش گفتاری احساسات خود را بیان می‌کند. این کنش گفتار با تبریک، درود و تحسین، قدردانی و حتی ناسزا همراه است (سرل، 1979:16). کنش‌های گفتاری عاطفی زنان در گرشاسب‌نامه اغلب با عبارات خطابی و در حالت ندایی بیان شده است. تعداد قابل ملاحظه‌ای از کنش‌های گفتاری زنان در گرشاسب‌نامه نخست با کنش عاطفی همراه با احترام آغاز می‌شود و در ادامه کلام به کنش‌های گفتاری دیگر از جمله ترغیبی می‌انجامد. به نمونه‌ای که در آن زن جادو، دختر شاه زابل را با واژه «مهرجوی» مورد خطاب قرار می‌دهد اشاره می‌شود.

«به زابل زبان گفت کای مهرجوی/ چنین میهمان چون فتادت بگوی» (گرشاسب‌نامه، 1386:53).

این نوع کنش در میان گفتارهای زنان گرشاسب‌نامه فراوان دیده می‌شود و مؤید نظر چندلر³² است که واژه‌ها را در حکم نشانه‌هایی جهان‌ساز در اثر می‌بیند (چندلر، 2007:41).

کنش‌های گفتاری و ارتباط آن با جنسیت و ... _____ مریم جلالی و همکار

جهان زنانه‌ای که از میان دعا و ثنای موجود در کنش‌های گفتاری عاطفی زنان گرشاسب‌نامه بیرون می‌آید، جهانی قابل تأمل است. به نمونه‌هایی دیگر از این کنش گفتاری اشاره می‌شود.
کنیزک با دختر شاه زابل

«کنیزک بخندید و آمد دوان/ به بانو بگفت ای مه بانوان» (گرشاسب‌نامه، 1386:48).

دختر پادشاه روم با جمشید

«به جم گفت کای خسته از رنج راه/ درین سایه‌گه از چه کردی پناه» (همان:49).

«فغ ماهرخ گفت کای ارجمند/ در این پرنیان از چه ماندی نژند» (همان:54).

دختر پادشاه روم با پدر

«چنین گفت کای بخت پیشت رهی/ تو دانی که ناید ز من بی‌رهی» (همان:60).

عبارات و واژه‌های «ای مه بانوان»، «ای خسته از رنج راه»، «ارجمند»، «نژند» و «بخت پیشت رهی» بیانگر تمجید، دلسوزی و فرمان‌پذیری است؛ این تعامل اجتماعی باز نمودی از استدلال زبان زنانه از تاریخ و فرهنگ خاص (یورگنسن³³، 2004:5) است و به نوعی توجه و انفعال زنان نسبت به مردان را نشان می‌دهد.

3-1-5. کنش‌های گفتاری اعلامی زنان

این کنش با اعلام و اجرا همراه است و فاصله زمانی میان گفتار و عمل وجود ندارد (سرل، 1979:17)؛ چنین کنشی در هیچ یک از گفتارهای زنانه در گرشاسب‌نامه دیده نشده است. این امر نشان می‌دهد زنان گرشاسب‌نامه حتی با وجود داشتن قدرت و جایگاه اجتماعی شرایط لازم و کافی را برای بیان این نوع کنش گفتاری نداشته‌اند.

3-2. کنش‌های گفتاری مردان در گرشاسب‌نامه

گذشته از نگاه دینی هبوط آدم به زمین (شمیسا، 1378:331) رفتارهای مردم‌حورانه که برخاسته از ارزش‌های جامعه سنتی است، سایه‌ای ممتد بر متون ادب فارسی افکنده است. ریاست طلبی و برتری‌جویی مردان حتی در سازه‌های گفتاری شخصیت‌های داستانی ظاهر شده و مؤید این نگرش است که در شناخت و بازنمایی جهان هر متن لازم است نقش‌های

متعدد متون در نظر گرفته و به خاصیت ارتباطی بودن پدیده‌های زبانی در میان متن توجه شود (فرکلاف³⁴، 1995:5).

کنش‌های گفتاری مردان در گرشاسب‌نامه اغلب در فضایی منحصر به این گروه صورت گرفته و به همین دلیل است که 96 درصد از کنش‌های گفتاری این اثر متعلق به مردان است. فرایند برخاسته از کنش‌های گفتاری متن گرشاسب‌نامه به عنوان «عنصر سازنده» (هلیدی³⁵، 1985:102) بیانگر کلیشه‌های رفتارهای اجتماعی مردانه در ادوار کهن است. اعمال خشونت و برتری‌جویی در بسیاری از کنش‌های گفتاری این اثر به چشم می‌خورد. برای نمونه هنگامی که گرشاسب با شمن پیر سخن می‌گوید، کنش گفتار خشن او این‌گونه نمایان می‌شود. «برآورد گرشاسب از خشم جوش / چنین گفت کای گمره تیره هوش» (گرشاسب‌نامه، 1386:353).

و زمانی که ضحاک با اثرط سخن می‌گوید، مرد و مردانگی را این‌گونه توصیف می‌کند. «جهان‌دار گفتا چنین است راست / بدین برز و بالا و چهرش گواست / هنر هر چه در مرد والا بود / به چهرش بر از دور پیدا بود» (همان:71).

براساس برخی از نظریه‌ها منشأ نگرش‌های جنسیتی به زمینه‌های تاریخی هر جامعه بازمی‌گردد (دیویس³⁶؛ رابینسون³⁷، 1991:321). با در نظر داشتن دوره تاریخی کنش‌های گفتاری گرشاسب‌نامه حامل تفکر قدرت، سلطه‌جویی و برتری مردان است. نخست به استخراج و طبقه‌بندی کنش‌های گفتاری مردان براساس تئوری سرل می‌پردازیم.

3-2-1. کنش‌های گفتاری اظهاری مردان

کنش‌های گفتاری اظهاری مردان در گرشاسب‌نامه توسط اقشار مختلف اجتماعی این گروه صورت گرفته است. مردان در این کنش‌های گفتاری به عنوان گوینده با موقعیت و جایگاه اجتماعی پایین دست، متوسط و بالادست دیده می‌شوند. از آن‌جا که مطلق‌گرایی شاخصه جوامع کهن است، ارزش مردان در توزیع کنش‌های گفتاری میان سطوح مختلف اجتماعی گرشاسب‌نامه نمایان شده و تفاوت این کنش‌ها در اغراض پنهان در گفتارها به چشم می‌خورد. برای نمونه مردان صاحب قدرت این اثر در کنش‌های گفتاری اظهاری اغلب تلاش در اثبات و

کنش‌های گفتاری و ارتباط آن با جنسیت و ... _____ مریم جلالی و همکار

تأیید قدرت و سلطه خود دارند و در مقابل گفتارهای اظهاری افرادی که در جایگاه پایین‌تر اجتماعی هستند جنبه‌ی توصیفی و تشریحی دارد.

در نمونه زیر گرشاسب با مهرج درباره کیفیت قدرت خود سخن می‌گوید، نخست اظهار می‌کند که چگونه بهو را از بین خواهد برد و سپس درباره نتیجه رزمش عقیده خود را بیان می‌کند.

«میان بهو تا به خم کمند/ نیارم نیچم عنان سمند/ پناه سپه شاه نیک اخترست/ چو شه شد سپه چون تن بی سراسر» (گرشاسب‌نامه، 1386:104).

گوینده در این کنش گفتاری اظهاری قصد دارد ثبات و قدرت خود را در اجرای تصمیمش بیان کند. در نمونه‌ای دیگر شاه کابل با سپاهیان‌اش این‌گونه سخن می‌گوید.

«شیخون بود پیشه بد دلان/ از این ننگ دارند جنگی یلان/ اگر ما برایشان شیخون کنیم/ همه آب‌ها در شبی خون کنیم» (همان: 233).

پادشاه کابل در این گفتار اظهاری نخست سپاهیان‌اش را که به صفت «جنگی یلان» متصف کرده از شیخون منع و این عمل را به دور از اخلاق رزم اعلام می‌کند، اما در ادامه برای اثبات قدرت خود و سپاهیان‌اش با به‌کاربردن فعل جمع اظهار می‌کند که اگر آنان اراده کنند که شیخون بزنند قدرت و صف‌ناشدنی خواهند داشت.

زمانی که گوینده از جایگاه اجتماعی پایین‌دست با فرد صاحب قدرت سخن می‌گوید با وجود این که گفتارهای اظهاری او در جهت توصیف و تفسیر موقعیت است، همچنان الفاظ مردانه در آن دیده می‌شود. برای نمونه زمانی که ملاح درباره کرگدن‌های جزیره شگفت‌انگیز با گرشاسب سخن می‌گوید از گفتارهای اظهاری این‌گونه استفاده می‌شود.

«سرو»³⁸ دارد از باز مردی فزون/ سرش چون سنان تن چو ز آهن ستون/ به زخم سرو که درآرد ز پای/ زند پیل را بررباید ز جای» (همان: 159).

گفتارها در متون از دیدگاه داستان‌پرداز و یا از زبان قهرمانان بیان می‌شوند (سرامی، 1368:258). کاربرد کنش گفتاری اظهاری در توصیف کرگدن در این ابیات توسط شخصیت مردی صورت گرفته است که در جایگاه ملاح سطح پایین‌تری نسبت به گرشاسب دارد؛ با این وجود شاخ کرگدن را با مردانگی قیاس می‌کند و توصیف او در خدمت تأیید ضمنی قدرت یک مرد است.

3-2-2. کنش‌های گفتاری ترغیبی مردان

گفتارهای ترغیبی مردان در گرشاسب‌نامه از جانب افراد قدرتمند با داشتن جایگاه برتر نسبت به پایین‌دست یا در میان طبقات هم‌سطح اجتماعی صورت پذیرفته است. گفتار شاه کابل با سپاهیان (گرشاسب‌نامه، 1386:232)، سخن ضحاک با مردم (همان: 147)، شاه زابل با بزرگان (همان: 80)، شاه روم با بزرگان (همان: 211)، شاه زرنج با وزیر (همان: 220) از نمونه‌های گفتارهای ترغیبی طبقه قدرتمند اجتماع با پایین‌دست است. در نمونه‌های یادشده کنش‌های گفتاری ترغیبی با پرخاشگری و سلطه‌طلبی همراه است.

هنگامی که افراد در جایگاه اجتماعی برابر قرار داشته باشند این نوع کنش در خدمت تأیید وضعیت و اظهار پیشنهاد قرار می‌گیرد. گفتار ترغیبی طورگ با پدرش از این نمونه است.

«ازین پس یکی پره‌نر دان مرا/ مخوان کودک و شیر نرخوان مرا» (همان: 68).

در متن گرشاسب‌نامه کنش‌های گفتاری ترغیبی به ندرت از جانب کسانی عنوان شده که در جایگاه اجتماعی پایین‌تری نسبت به شنونده قرار دارند. در چنین شرایطی دلیل وجود این کنش صرفاً نشناختن گوینده از وضعیت شنونده یا شنوندگان است. برای نمونه باغبان هنگامی که با همراهان گرشاسب برخورد می‌کند نخست آنان را نمی‌شناسد و جملات ترغیبی خود را به قصد تحقیر شنوندگان این‌گونه بیان می‌کند.

«که ره سوی این رز شما را که داد؟/ کدام ابله غرچه این درگشاد/ که بست ایدر این باره سنگ سم؟/ که اکنون بیندازمش گوش و دم/.../ برآشفت و گفتا سپهدار کیست؟/ جهان را جز از شه نگه دار نیست» (همان: 193).

کلیشه‌های مردانه‌بودن اعم از خشونت، پرخاشگری، برتری‌جویی و سلطه‌گری (حسینی؛ دشتی، 1391:51-56) بیشتر در غالب کنش‌های گفتاری ترغیبی مردان گرشاسب‌نامه آشکار می‌شود. در نمونه نخست پسر از پدر می‌خواهد که او را «شیرنر» بخواند و این سلطه‌گری نشان‌دهنده رفتاری مردانه است. در نمونه پسین واژه‌های «ابله»، «غرچه» و «برآشفت» نشان‌گر پرخاش و خشونت پنهان‌شده در گفتار است. درخواست و خواهش در گفتارهای ترغیبی مردان گرشاسب‌نامه بسیار نادر است.

کنش‌های گفتاری و ارتباط آن با جنسیت و ... _____ مریم جلالی و همکار

3-2-3. کنش‌های گفتاری تعهدی مردان

این کنش گفتاری که اغلب با قول دادن و سوگند خوردن همراه است در گرشاسب‌نامه میان مردان در جایگاه برابر اجتماعی صورت گرفته است. تک‌گویی در میان کنش‌های گفتاری تعهدی نیز وجود دارد. تک‌گویی در فرهنگ لاتین³⁹ نقطه مقابل گفتگو⁴⁰ است. تک‌گویی از دو واژه یونانی منو (تنها) و لوگو (سخن) ساخته شده است که به معنی «تک‌گویی است» (فلکی، 1382:42). شخصیت به خود متعهد می‌شود که کاری را به انجام رساند. برای نمونه گرشاسب در جنگ با بهو برای اثبات سخنش با خود عهد می‌بندد که پیروز از معرکه به درآید. «به چرخ و زمین کرد سوگند یاد/ که امروز بدهم در این جنگ داد» (گرشاسب‌نامه، 1386:113).

کنش گفتاری تعهدی در داستان‌های مردگرای گرشاسب‌نامه روی داده است. در این داستان‌ها اغلب شخصیت‌ها مرد هستند، بنابراین ماجرا تک‌جنسیتی پیش می‌رود و نشانی از زنان در این تعهد به چشم نمی‌خورد، همچنین تعهد گوینده در جهت تأیید قدرت خویش است. برای نمونه گرشاسب زمانی که با اثرط سخن می‌گوید، سوگند یاد می‌کند که رزمآوری خود را این‌گونه به نمایش گذارد.

«ز بس خشم و کین کرد سوگند یاد/ که بدهم من امشب بدین جنگ داد» (همان: 229). و زمانی که گرشاسب قصد دارد از دختر پادشاه روم خواستگاری کند تعهد خود را با ابراز قدرت همراه می‌کند و می‌گوید:

«بدو گفت گرد سپهد نژاد/ مرا باب نامم کمان کش نهاد/ به دامادی شه گر آیم پسند/ بخوادم کشید این کمان بلند/ چنانش کشم چو برآرم به زه/ که بپسندی و گویی از دل که زه» (همان: 211).

این نوع کنش گفتاری در میان گفتارهای مردان نسبت به دیگر کنش‌ها اندک است. در کنش‌های گفتاری تعهدی مردان گرشاسب‌نامه به هیچ‌وجه انفعال دیده نمی‌شود. این کنش‌ها نشان‌دهنده رفتار سلطه‌گرایانه آنان است.

4-2-3. کنش‌های گفتاری عاطفی مردان

کیفیت نگاه به دنیای مردانه و دنیای زنانه برخی از تفاوت‌های اجتماعی میان این دو را از لحاظ کیفی (برنارد⁴¹، 1384:19) در متن ادبی ایجاد می‌کند. اسدی طوسی شاعر

چیره‌دستی است که توانسته است حق این دیدگاه را بدون پیش ذهنیت ادا کند. کنش‌های گفتاری عاطفی مردان در گرشاسب‌نامه در سطوح مختلف اجتماعی به شکل‌های متنوعی آمده است. برای نمونه زمانی که شاه روم از دختر سرکشش آزرده می‌شود، احساس نارضایتی خود را با گفتار عاطفی این‌گونه انتقال می‌دهد:

«چنین گفت دانا که دختر مباد/ چو باشد به جز خاکش افسر مباد» (گرشاسب‌نامه، 1386:60).

در این کنش گفتاری نفرین پدر با نقل قولی از دانا و حس بیچاره‌بودن او از داشتن فرزند دختر بیان شده که به نوعی اعتراض به نافرمانی و عدم انقیاد دختر است. گاهی اوقات این کنش برای بیان افسوس و حسرت به‌کار می‌رود. هنگامی که بهو از جنگ با گرشاسب خسته می‌شود، حس ازدست‌دادن قدرت و مال او را افسرده می‌سازد و این‌گونه احساس خود را بیان می‌کند:

«دریغ این همه گنج و رنج و نهاد/ که گنجم همه خاک شد، رنج باد» (همان: 103).

گفتارهای عاطفی مردان که با تحسین و درود همراه است با جدیت و تحکم مردانه بیان می‌شود مانند «که تا جاودان پهلوان زنده باد» (همان: 106): «دل شاه گیتی به تو شاد باد» (همان: 121) و «چنین گفت کای مرد فرهنگ ساز» (همان: 145) از این شمار است. در داستانی دیگر زمانی که طلسم تهمورث دیوبند شکسته می‌شود، احساس خود را نسبت به گرشاسب با تحسین و ستایش بیان می‌کند:

«تو ای پهلوان گرد جوینده کام/ که گرشاسب خواندت هرکس به نام/ زما بر تو باد آفرین و درود/ چو آیی بدین کاخ ما در فرود» (همان: 178).

3-2-5. کنش‌های گفتاری اعلامی مردان

شخصیت گوینده در کنش‌های گفتاری اعلامی تولیدکننده یک رابطه علی و معلولی در گفتار و عمل است؛ در واقع در کلام گوینده یک اجرا نهفته است. برای نمونه عاقد می‌گوید: «هن تو را به عقد فلانی درمی‌آورم» و فعل عقد هم‌زمان با گفتار او رخ می‌دهد. در این کنش گفتاری لازم است شخصیت گوینده در اعلام سخن خود صلاحیت اجتماعی کافی را داشته باشد. عباراتی که در این خصوص به‌کار می‌رود مانند «انتصاب کردن»، «گماردن»، «فرمان دادن به آغاز و

کنش‌های گفتاری و ارتباط آن با جنسیت و ... _____ مریم جلالی و همکار

پایان» و «عطا و بخشش از موضع قدرت» است. این نوع کنش گفتاری در تعدادی از ابیات گرشاسب‌نامه وجود دارد. گفتارهای اعلامی توسط مردانی که از سطح قدرت برخوردارند بیان شده است. برای نمونه زمانی که گرشاسب با بهو مبارزه می‌کند در لحظه‌ای که قدرت کافی دارد، تصمیمی می‌گیرد و آن را با تأکید گفتاری این‌گونه عملی می‌کند:

«کفی خاک ندهم که بر سر کنی / نه نیز آب چندان که لب تر کنی» (همان: 108).

در جایی دیگر که مهرج با بهو سخن می‌گوید و نیکی‌هایی را که در حق او داشته، یادآوری می‌کند، کنش گفتار اعلامی دیده می‌شود:

«چو رفت او، به جایش ترا خواستم / شهی دادم، کارت آراستم» (همان: 123).

این نوع کنش در گرشاسب‌نامه صرفاً متعلق به مردان و بیانگر شیوه عملکرد اجتماعی آنان است.

4. تحلیل تقابلی کنش‌های گفتاری زنان و مردان در گرشاسب‌نامه

پژوهش‌های متنوع و متعددی در ارتباط با مبحث جنسیت صورت پذیرفته است. امروزه این مقوله اجتماعی به حوزه ادبیات نیز نفوذ پیدا کرده است. در ادبیات کهن فارسی از زنان تصاویری هم‌زمان با فراز و نشیب با جلوه‌های متناقضی چون لعبتی جسمانی (ویس و رامین) و معشوقی عذرابی (لیلی و مجنون نظامی)، عفریته‌ای جادوگر (زن جادو در شاهنامه) و قدیسه‌ای زاهد (رابعه بلخی در تذکره الاولیاء)، خانه‌نشینی منزوی (گلستان سعدی) و پهلوانی حماسه‌ساز (منظومه بانو گشاسب‌نامه)، افسونگری پر فریب (سیاوش و سودابه در شاهنامه) و دوراندیشی عجیب (زال و رودابه در شاهنامه) ارائه شده است. کتاب گرشاسب‌نامه از این دور خارج نیست. گرت⁴² معتقد است که ادبیات سنتی کلیشه‌های جنسیتی را پررنگ‌تر نشان می‌دهند (گرت، 1382: 42). اسلوب‌های قدیمی پنهان در زندگی اجتماعی گرشاسب‌نامه نسبت به جنسیت با تکیه بر مقایسه کنش‌های گفتاری این متن نمایان می‌شود؛ زیرا متون به نوعی تعبیر و بیان احساس درونی اجتماع زمان خود است و تمایز «جنسیت، دست‌پرورده اجتماع است» (پاک‌نهاد جبروتی، 1381: 157).

تحلیل گفتمان نوعی یافتن ارتباط میان زبان و رفتار اجتماعی است (یورگنسن⁴³، 2004: 70). قیاس کنش‌های گفتاری اظهاری مردان و زنان در گرشاسب‌نامه نشان می‌دهد که

مردان صاحب قدرت یا مردانی که برخاسته از جایگاه اجتماعی برتر هستند به اثبات و تأیید سلطه و قدرت خود نسبت به فرد یا جمع مقابل می‌پردازند، حال آن‌که زنان با همین جایگاه صرفاً قصد تأیید وضعیت فردی و شخصی خود را دارند. گفتارهای اظهاریه مردان در سطوح اجتماعی پایین‌دست در خدمت توصیف و تشریح وضعیت‌های متنوع است، اما در گفتارهای اظهاریه زنان با همین جایگاه انفعال در پاسخ‌گویی و تأیید نظر دیگران دیده می‌شود.

پرخاش و سلطه‌جویی در کنش‌های گفتاری ترغیبی مردان موج می‌زند، از آن‌جا که مردان به سلطه‌ی خود ایمان دارند دست به پرخاش می‌زنند، در مقابل زنان حتی با وجود داشتن قدرت کافی در اجرای تحکم، صرفاً گفتاری توأم با دستور و فرمان دارند و در مواردی تویخ مودبانه در گفتار ترغیبی آنان دیده می‌شود، البته این دیدگاه در عصر حاضر همچنان وجود دارد که «از زنان در مقایسه با مردان رفتار اجتماعی صحیح‌تر و مناسب‌تری انتظار می‌رود؛ بنابراین رفتار زبانی آنان نیز نه تنها با مردان متفاوت است بلکه بهتر نیز هست» (نوشین‌فر، 1390:186). ممکن است رعایت ادب لفظی زنان و دوری از پرخاش در گرشاسب‌نامه برخاسته از نگرش یادشده باشد.

در کنش‌های گفتاری تعهدی مردان گرشاسب‌نامه فقط برتری‌جویی دیده می‌شود، و در مقابل زنان از این کنش گفتاری در جهت رسیدن به آرزوها و آمال خویش استفاده کرده‌اند. کاربرد این کنش گفتاری انفعال کامل زنان را نشان می‌دهد.

کنش‌های گفتاری عاطفی مردان به‌صورت درود و تحسین، افسوس و لعن و نفرین که بخش قابل ملاحظه‌ای از آن با تأیید و تأکید قدرت مردان همراه است، در مقابل کنش‌های گفتاری عاطفی زنان گرشاسب‌نامه اغلب واکنش است تا کنش؛ این گفتارها توأم با احترام بیان شده و فاقد سلطه‌طلبی است.

کنش‌های گفتاری اعلامی محدود به گفتارهای مردان در گرشاسب‌نامه شده و در گفتار زنان چنین کنشی یافت نشده است. نکته قابل ملاحظه این است که این نوع کنش صرفاً میان مردان صاحب قدرت رد و بدل شده است.

اگر کلیشه‌های جنسیتی، مجموعه‌ای سازمان‌یافته از باورها درباره زنان و مردان اجتماع با درنظر داشتن اطلاعات ظاهری، روحی و عقیدتی و اجتماعی باشد (گلوبوک⁴⁴؛ فیش⁴⁵، 1384:28)، کنش‌های گفتاری زنان و مردان در متن گرشاسب‌نامه نیز بازتاب‌دهنده این باورهای اجتماعی است. براساس آراء گیدنز، افراد از قواعدی تبعیت می‌کنند که در ساختار

کنش‌های گفتاری و ارتباط آن با جنسیت و ... _____ مریم جلالی و همکار

اجتماعی جای دارد و خود خالق آن قواعد هستند (به نقل از تاکر⁴⁶؛ کنس⁴⁷، 82:1998)؛ در گفتارهای گرشاسب‌نامه سلطه مردانه و انفعال زنانه کاملاً مشهود است تا جایی که حتی داشتن طبقه و جایگاه اجتماعی برتر برای زنان در این اثر نتوانسته است امتیاز خاصی را در کنش گفتاری آنان نسبت به مردان ایجاد کند. این امر نمایانگر ساختار اجتماعی حاکم بر اثر است که خاستگاه آن تعاملات اجتماعی مخلوق توسط افراد جامعه است.

5. نتیجه

زبان عامل ارتباط و نشان‌دهنده رفتارهای اجتماعی است. براساس تئوری سرل کنش‌های گفتاری افراد در پنج گروه اظهاری، ترغیبی، عاطفی، تعهدی و اعلامی جای می‌گیرد. با تکیه بر این تئوری می‌توان به تحلیل‌های ارتباط اجتماعی دست یافت. گرشاسب‌نامه به‌عنوان یک متن ادبی تاریخی، سرشار از کنش‌های گفتاری است و بخش مهمی از تعاملات اجتماعی از طریق گفتار شخصیت‌ها بیان شده است. زمینه‌های اجتماعی و تاریخی حاکم بر متن گرشاسب‌نامه از میان ارتباط و نوع کنش‌های گفتاری شخصیت‌های موجود در این اثر نمایان شده و جایگاه اجتماعی و جنسیت آنان در نوع کنش‌های گفتاری تأثیر گذاشته است. با توجه به سطوح مختلف اجتماعی افراد در گرشاسب‌نامه اغلب کنش‌های گفتاری مؤثر و مؤید ماجراها میان افرادی صورت گرفته که در ساختار اجتماعی، جایگاه برتر داشته یا صاحب قدرت بوده‌اند. با در نظر گرفتن این امر و جنسیت آنان کنش‌های گفتاری مردان نسبت به زنان در کمیت اعمال تحکم در گفتارهای اظهاری و اعلامی سبقت گفتارهای ترغیبی بر عاطفی انتخاب وازگان خشن گویای نابرابری‌های جنسیتی در این اثر است.

6. پی‌نوشت

1. Bhabha
2. Austin
3. Searle
4. Speech acts
5. Austin
6. Searle
7. Brinton
8. Sbisa
9. Poythress

10. Representative
11. Commissure
12. Expressive
13. Directive
14. Declaration
15. Brown
16. Yule
17. Stubbs
18. Mills
19. Weedon
20. Giddens
21. Talbot
22. Jorgensen
23. Levinson
24. Stephens
25. Asrat
26. Gairavan
27. Efrigi
28. Searle
29. Lazar
30. Fowler
31. Rimmon-Kenan
32. Chandler
33. Jorgensen
34. Fairclough
35. Haliday
36. Davis
37. Robinson
38. Soro
39. Monologue
40. Dialog
41. Bernard
42. Garrett
43. Jorgensen
44. Golombok
45. Fish
46. Tucker
47. Kenneth

7. منابع

- اسدی طوسی، ابونصر علی بن احمد (1386)، *گرشاسب‌نامه*، تصحیح حبیب یغمایی، ویراستار پرویز یغمایی، تهران، دنیای کتاب.

کنش‌های گفتاری و ارتباط آن با جنسیت و ... _____ مریم جلالی و همکار

- باقری، مه‌ری (1377). مقدمات زبان‌شناسی، تهران: پیام نور.
- برنارد، جسی شرلی (1384). دنیای زنان، ترجمه شهرزاد ذوفن، تهران: اختران.
- پاک‌نهاد جبروتی، مریم (1381). فرادستی و فرو دستی در زبان، تهران: گام نو.
- حسینی، حسن؛ دشتی، منصوره (1391). «بازنمایه کلیشه‌های جنسیتی در رسانه»، مطالعات ادبیات داستانی، شماره 13، صص 27-64.
- رزمجو، حسین (1381). قلمرو ادبیات حماسی ایران. تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با همکاری انتشارات سخن گستر.
- ریمون‌کنان، شلومیت (1387). روایت داستانی بوطیقای معاصر، ترجمه ابوالفضل حری، تهران: نشر نیلوفر.
- رستگار فسایی، منصور (1383). پیکرگردانی در اساطیر، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سرامی، قدمعلی (1368). از رنگ گل تا رنج خار شکل شناسی داستان‌های شاهنامه، تهران: علمی فرهنگی.
- شارع‌پور، محمود (1388). جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، تهران: سمت.
- شمیسا، سیروس (1378). نقد ادبی، تهران: فردوس.
- صفوی، کوروش (1384). فرهنگ توصیفی معنی‌شناسی، تهران: فرهنگ معاصر.
- فاو‌لر، راجر (1390). زبان‌شناسی و رمان، ترجمه محمد غفاری، اول، نی.
- فلکی، محمود (1382). روایت داستان تئوری‌های پایه‌ای داستان‌نویسی، تهران: بازتاب‌نگار.
- قبادی، حسینعلی (1388). آیین آینه: سیر تحول نمادپردازی در فرهنگ ایرانی و ادبیات فارسی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، دفتر نشر آثار علمی.
- قنادان و همکاران (1375). مفاهیم کلیدی جامعه‌شناسی، تهران: نشر آوای نور.
- کراچی، روح انگیز (1374). اندیشه‌نگاران زن در شعر مشروطه، تهران: انتشارات دانشگاه الزهرا.
- گرانبویه، بهروز (1377). فرهنگ و جامعه، تهران: نشر شریف.

جامعه‌شناسی تاریخی _____ دوره 8، شماره 1، بهار و تابستان 1395

- گرت، استفانی (1382). *جامعه‌شناسی جنسیت*، ترجمه کتایون ریاحی، تهران: نشر دیگر.
- گلوبوک، س؛ فیش، ر. (1384). *رشد شخصیت*، ترجمه شهر آرایسی، تهران: انتشارات ققنوس.
- لطفی‌پور، کاظم (1372). «درآمدی بر سخن کاوی»، *مجله زبان‌شناسی*، بهار و تابستان، صص 9-40.
- مدرسی، یحیی (1368). *درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان*، تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی.
- نوشین فر، ویدا (1390). «زبان و جنسیت»، *مجله دانشگاه ادبیات و علوم انسانی بیرجند*، سال 2، شماره 2.
- Bhabha, H.K. (1995). *Cultural Diversity and cultural Differences, The post, colonial studies Reader*. London and Now York: Routledge.
- Brown, G. Yule, G. (1989). *Discourse Analysis*, New york: Cambridge University.
- Brinton, L. J. (2000). *the Structure Ols Modern English: A linguistic in troduction*. Vo l.1. Co, Amsterdam.
- Chandler, D. (2007). *The Basic Semiotics*. Abingdon: Routledge.
- Davis, N. Robinson, R. (1991). "Men's and woman's consciousness of gender inequality". *Sociological review*. Vol. 56. pp. 27-48.
- Fairclough, N. (1995). *Critical Discourse Analysis*, London: Longman.
- Giddens, A. (1984). *The constitution of Society*. London: Polity.
- Haliday, M. K. A. (1985). *An introduction to Function Grammar*. London: Arnold.
- Jorgensen .P. (2004). *Discourse Analysis as Theory & Method*. London: Longman.
- Lazar, M.M. (2005). *Feminist CDA as Political Perspective and Praxis*, in M. M. Lazar (ed.), *Feminist Critical Discourse Analysis. Gender, Power and Ideology in Discourse*, Basingstoke: Palgrave Macmillan, 1-28.
- Levinson, Sc.Sc. (1997). *Pragmatics*. New York: Cambridge University.

کنش‌های گفتاری و ارتباط آن با جنسیت و ... _____ مریم جلالی و همکار

- Mills, S. (1994). *Gendering the Reader*. Hemel stated: Harvested wheat sheaf.
- Searle, J. R. (1979). *Expresstion and Meaning: Studies in the Theory of Speech Acts*, Cambridge: Cambridge University press.
- Sbisa, M. (2002). *Speech Acts in Context*. Language and communication, 22, pp. 421-436.
- Stephens, J. (1996). *Gender, Genre and Children's Literature*, in *Signal*, No. 79, January, pp. 17-30.
- Stubbs, M. (1983). *Discourse Analysis: The Sociolinguistic Analysis of Natural*, Cambridge: Cambridge University press.
- Talbot, M. (1995). *Fictions at Work*. London and New York: Longman.
- Tucker, J. Kenneth, H. (1998). *Antony Giddens and Modern Social Theory*. London: Sage publication.
- Poythress, V. R. (2008). *Canon and Speech Act: Limitation in Speech at Theory, with Implication for a putative Theory*. *West Minster theoretical journal*. 70. Pp. 337-354.
- Weedon, C. (1997). *Feminist Practice and Poststructuralist Theory*. Second edition. Oxford: Blackwell Publishing.